

سیر تکاملی زبان

بقلم آقای فوادی

معلم محترم فارسی در مدارس نظام

- ۲ -

در شماره قبل تحت عنوان « سیر تکاملی زبان » جنبه لفظی آن را در نظر گرفته بحث نمودیم اینک بقسمت معنوی آن میپردازیم زیرا این قسمت هم مانند جنبه لفظی همواره در معرض تغییر و تحول و تکامل است.

یکی از راه‌های تکامل زبان طریق توسیع یا تعمیم مفاهیم کلمات است یعنی يك کلمه که برای معنی خاصی وضع شده رفته رفته دائره شمول آن وسعت یافته برای افاده معانی دیگر هم بکار میرود مثلاً کلمه گوسفند = گوسپند که در فارسی ابتدا بمعنی گاو مقدس استعمال میشده امروز بمعنی گوسفند تنها استعمال میگردد و کلمه شدن که بمعنی رفتن است در فارسی امروز معنی فعل معین را هم شامل است.

در زبانهای قدیم همچنین در زبانهای وحشیان امروزه برای هر اسم و صفت و فعلی کلمه مخصوص و منحصری استعمال میشود. رفته رفته این کلمات بر اثر قانون تداعی معانی (L'association des idées) برای مفاهیم دیگر نیز عمومیت پیدا کرده است مثلاً

در عربی کلم بمعنی خستن (زخم زدن) وضع شده و کلمه کلام - کلیم و غیره با معانی دیگر از آن مشتق گردیده است. در اینجا قانون تداعی معانی دخالت دارد همچنانکه از جراحت وارد آوردن طرف متأثر میشود از کلام هم شتوبله متأثر میگردد. مثال دیگر

کلمه دیو در زبان هند و اروپائی ظاهراً بمعنی پروردگار یا خدا وضع شده زیرا Deva در سانسکریت، Zeus یونانی، Dieu فرانسوی بمعنی خدا آمده است. ارین های ایرانی

همین کلمه را بمعنی خدای باطل گرفته اند (نگر نشنید فرشته بادبو - وحشت آموزد و خیانت وریو) که مترادف با کلمه شیطان است کلمه دیوانه نیز از همین کلمه مشتق شده است. بعلاوه این کلمه را بمعنی انسان وحشی هم گرفته اند بلکه چون بر مردمان بومی ایران دست یافتند آنها را دیو نامیدند. در ادبیات فارسی کلمه دیو بمعنی سبع (درنده) و انسان تنومند هم آمده است (کز دیو و ددملوم و انسانم آرزو است).

بواسطه تعمیم که یک نوع عمل ذهنی است کلمات مشابه و مترادف بوجود می آید مثل صورت - چهره - رخ - روی - وجه - سیما که ابتدا هر کدام در معنی خاص استعمال میشده و در فارسی همه آنها بمعنی صورت می آید. در زبان توده تعمیم بیشتر مجری است و غالباً معانی کلمات از اصل وضعی بلکه اصطلاحی و ادبی خود منحرف میشود مثل اینکه کلمات عقل - شعور - ذکاوت - هوش - فکر - ذهن در یک معنی استعمال میگردد لکن در زبان ادبی و علمی باهم فرق دارند. در زبان روسی کلمه Poute مترادف کلمه Doroza (راه) بواسطه تعمیم پیدا شده است.

بعداز آنکه زبان فارسی با عربی مخاوط شد کلمات مترادف بقدری در این زبان زیاد شد که کمتر زبانی در این قسمت بپایه آن میرسد. بلی در زبانهای اروپائی نیز کلمات لاتنی و یونانی و غیره زیاد وارد شده لکن نسبت با احتیاج و اقتضای محل و امثال آن کلمات اجنبی بواسطه تعمیم و اعمال دیگر ذهنی دچار تغییر و تحول گردیده دایره لغت و معنی را وسعت دادند مثل کلمات Consu - Machine - Magie - Public و غیره کلمه Fontaine در زبان فرانسه بیشتر برای چشمه استعمال میشود لکن در روسی فقط برای فواره بکار میرود. کلمه Kazak (قزاق) روسی در اصل قاچاق ترکی است لکن کلمات عربی اغلب برخلاف این منظور در صورت عدم احتیاج بحکم اجبار وارد زبان ما گردیده است مثلاً با آنکه ما کلمات خورشید - آفتاب - هور - مهر داریم کلمه شمس هم با همان معنی بر فارسی زبان تحمیل شد (خوشبختانه اخوات کلمه شمس عربی در زبان فارسی مصطلح ریشه نکرده است) با کلمه ماه فارسی کلمه قمر و با کلمه قلم و امثال آن مقابلی نموده و بعضی مترادفات فارسی را از بین برد. گرچه وارد شدن کلمات عربی در فارسی میدان سخنوری را وسعت داده و برای

صنایع لفظی و معنوی کلام تسهیلاتی تولید نمود (چنانکه شاعر گوید :
 روت پوش ای قمر خانگی تا نکشد کار بدیوانگی
 و دیگری گفته :

باغبان سرو من و سرو تو مانند بهم لیک آن راست بسر قمری و این راقمری -

اگر بجای کلمه ماه فارسی قمر عربی استعمال نمیشد کمیت شاعر در این وزن و این صنعت لنگ بود و قس علی ذلك) لکن از طرف دیگر زبان ما را سنگین و دارای اطناب و تفصیل نموده تعلیم آن را مشکل میسازد .

در نتیجه تعمیم از اسماء ذات اسماء معنی تولید میشود یعنی ابتدا هر اسم معنی اسم ذات بوده و رفته رفته جنبه معنوی بخود گرفته است . در جمل هم این حالت معمول است و از اینرو امثال و استعارات بمیان میآید مثلاً آب زیر گاه - از این ستون بان ستون فرج است - دیوار موش دارد موش گوش دارد که معانی آنها غیر از خود آنها میباشد . بزعم علمای علم زبان قدیمترین کلمه که جنبه معنوی بخود گرفته و درالسنه ملل قدیمه دیده میشود کلمه بودن است . حدس میزنند که در زبان اولی هند و اروپائی برای آن دو ریشه وجود داشته :

۱ - es (اس) این ریشه در زبان سانسکریت بشکل Asmi (هشتم) Asti (هستی) Santi (هستند) و در زبان لاتن بشکل est (است - هست) میباشد . این ریشه را اغلب ملل هند و اروپائی امروز در تلفظ با جزئی تفاوت دارند مانند jest روسی (jestم اسلاویانی) Is انگلیسی Ist آلمانی est فرانسه و است فارسی (باشکال صرفی مفصل یا مختصر چنانکه در فارسی استم - استی - است استیم - استید -- استند صرف میشود و در روسی فقط دو شکل موجود است jest = است = Lout = استند)

۲ - Bhu یا Bhū که در سانسکریت Bhu و در فارسی بو (بودن) و در زبانهای کنونی اروپائی Bi و غیره استعمال میشود . کلمه es بمعنی نفس کشیدن و زندگی و Bhu بمعنی نمو و روئیدن استعمال میشدم . بعد بمعنی زنده گانی و وجود (اسم معنی) را دارا شده اند . آثار معانی ابتدائی این دو کلمه در بعضی زبانهای امروزی دیده میشود مثل آنکه در فارسی گوئیم بود و نبودش یکسان است که کلمه بود بمعنی زیستن استعمال شده است و ریشه کلمه jestestvo (هستی - وجود) روسی es میباشد .

همچنین Bi در معنی اصلی خود که نمو باشد در کلمه Pribil (منفعت) روسی وجود دارد (معنی لغوی این کلمه اضافه شدن است - زیاد شدن است).

امروزه کلمات بدون واسطن از معنی مستقل خود منحرف شده بشکل افعال معین در آمده اند مثل زنده بودن و رفته است که برای بودن و است معنی مستقلی نمیتوانیم پیدا کنیم بلکه این دو فعل برای کلمه ما قبل خود حالت صرفی و نحوی را بیان میکند. بعبارة اخری کلمه ما قبل بوسیله آنها صرف میشود باینطریق بسیاری از افعال معنی اصلی خود را فاقد گشته اند. کلمه شدن وقتی بمعنی رفتن استعمال میشده و هنوز هم در بعضی تقاطع معنی اصلی خود را حفظ کرده است لکن در فارسی اصطلاحی معمولی حالت فعل معین را دارد. در عبارت آمد و شد این کلمه بمعنی اصلی و در جمله هواسر دشد جنبه فعل معین را داراست و از این قبیل است افعال کشیدن - خوردن - گرفتن و امثال آنها.

گرچه در زبانهای قدیم اسماء معنی بسیاری از قبیل خوبی - بدی - روش توانائی - گناه - ثواب و امثال آنها دیده میشود لکن بر روی همان اصلی که در فوق ذکر شد این ها بتدریج بعدها پیدا شده اند پس اسماء معنی ابتدا مدلولهای خارجی داشته و رفته رفته جنبه معنوی بخود گرفته اند.

اقتراح

بزرگترین شاعر ایران کیست

و بچه دلیل ؟

این سؤال در نظر اول تاحدی کلی و مبهم مینماید ، ولی ما مخصوصاً موضوع اقتراح را بدینصورت طرح کردیم تا میدان جواب وسیعتر باشد و نویسندگان بتوانند عقائد و نظریات خود را دربارهٔ هر شاعری آزادتر اظهار کنند و در جهات مختلفه ای که موجب اهمیت هر يك از اساتید شعرای ایرانست بیشتر بحث شود .

مقالاتی که در جواب این اقتراح برسد تا پایان سال دوم مجله مهر بترتیب وصول طبع خواهد شد ولی البته ادارهٔ مجله مهر در طبع هر يك از مقالات آزاد است و مقالاتیکه غیر قابل طبع تشخیص داده شود مسترد نخواهد شد. در هر شماره ده صفحه بجواب این اقتراح تخصیص میدهیم و در پایان سال هر گاه مقالات قابل انتشاری باقی مانده باشد تمام جوابها را یکجا بصورت کتابی جداگانه منتشر خواهیم ساخت .